

خط‌خط‌خانه

۴۸۸

هفته‌نامه خبری-تبیینی جامعه مؤمن و انقلابی | سال دهم، شماره ۴۸۸ | هفته چهارم اسفند ۱۴۰۳ | SHAMENEH.IR

شلیک کاغذی به ذهن و معیشت مردم

سرمقاله | صفحه ۲



... اسم مذاکره
راهم تکرار میکنند
برای اینکه حالا در افکار عمومی
یک فشاری ایجاد کنند که بله، این طرف
حاضر است برای مذاکره، شما چرا حاضر نیستید؟
این مذاکره نیست؛ تحکم است، تحمیل است...



شلیک کاغذی به ذهن و معیشت مردم

یادداشت
نامه



دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، جمعه‌ی هفته‌ی گذشته در مصاحبه با شبکه‌ی فاکس بیزنس مدعی شد که دیروز نامه‌ای خطاب به رهبر جمهوری اسلامی ایران نوشته و در آن، موضوع مذاکره را مطرح کرده است. این خبر، بلافاصله، تیتراژ اصلی بسیاری از رسانه‌های جهانی شد و فضای خبری جهان را تحت تأثیر خود قرار داد. همه منتظر بودند که طرف ایرانی به این خبر واکنش نشان دهد و چیزی درباره‌ی آن بگوید. نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل - مستقر در نیویورک - دریافت چنین نامه‌ای را تکذیب کرد. همان روز، یک مقام دولتی آمریکا در مصاحبه با الجزیره گفت که این نامه نوشته شده ولی هنوز ارسال نشده است! روز دوشنبه نیز، علی‌رغم گذشت چهار روز از زمان ادعایی ترامپ، سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی کشورمان اعلام کرد نامه‌ای از سوی آمریکا دریافت نشده است.

واکنش هوشمندانه

یک روز پس از ادعای ترامپ، مسئولان و کارگزاران نظام به طور معمول و سالانه به دیدار رضایی رهبر معظم انقلاب اسلامی رفتند. ایشان، در این دیدار، بدون نام آوردن از ترامپ و یا اشاره به نامه‌ی ادعایی، به این موضوع اشاره کردند و پاسخی اجمالی به این قضیه دادند و البته افزودند که ممکن است بعداً به شکل تفصیلی به آن پردازند:

«اینکه بعضی از دولتهای قلدر - واقعاً بنده هیچ تعبیری مناسب‌تر برای بعضی از شخصیت‌ها و رؤسای خارجی، جز همین کلمه‌ی «قلدر» - سراغ ندارم - اصرار به مذاکره میکنند، مذاکره‌ی آنها برای حل مسائل نیست، برای تحکم است. [میگویند] مذاکره کنیم تا آنچه را که میخواهیم، بر طرف مذاکره - که آن طرف میز نشسته - تحمیل کنیم؛ اگر قبول کرد که چه بهتر، اگر قبول نکرد جنجال راه بیندازیم که اینها از میز مذاکره فاصله گرفتند، از پای میز بلند شدند! این تحکم است. مذاکره برای آنها راهی است، مسیری است برای طرح توقعات جدید. مسئله فقط مسئله‌ی هسته‌ای نیست که حالا راجع به مسائل هسته‌ای صحبت کنند؛ توقعات جدیدی را مطرح میکنند که این توقعات جدید از طرف ایران قطعاً برآورده نخواهد شد؛ [مثلاً] راجع به امکان دفاعی کشور، راجع به توانایی‌های بین‌المللی کشور، که فلان کار را نکنید، فلان کس را نبینید، فلان جانورید، فلان چیز را تولید نکنید، برد موشکتان از آن فلان قدر بیشتر نباشد! مگر

شلیک به افکار عمومی

اینکه ترامپ نامه‌ای را که هنوز برای ایران ارسال نشده چنین آشکارا خبری می‌کند، به روشنی نشان می‌دهد او در واقع به دنبال مذاکره نیست و افکار عمومی را در دو سطح هدف گرفته است؛ هم در سطح جهانی و هم، به طور ویژه و اصلی، در سطح داخلی ایران. البته افکار عمومی ایران در این بازی نقش محوری و اساسی دارند و افکار عمومی جهانی در حاشیه قرار دارند. اگر بخواهیم به طور واضح و صریح هدف ترامپ را بیان کنیم، باید بگوییم او می‌خواهد به مردم ایران چنین القا کند که من به دنبال مذاکره و توافق با کشور شما هستم، اما این رهبر شما است که حاضر به مذاکره و توافق نیست. از همین رو، در این چند روز، رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه و شبکه‌ی گسترده‌ی فیلان حرفه‌ای آن‌ها در فضای مجازی نیز دست به کار شده و مشغول تکمیل بازی ترامپ هستند؛ بازی سرزنش!

ترامپ، دست به دامن «گره‌ی مرده»

عامل سرزنش، در دنیای دیپلماسی، اهمی قوی است که کشورها از آن برای تأمین منافع خود استفاده می‌کنند. وقتی در یک موضوع مهم که توجهات جهانی را به خود جلب کرده، مذاکرات قفل شده یا شکست بخورد، طرفی که با پافشاری روی نکات خود و عدم انعطاف باعث این قفل‌شدگی است مورد سرزنش همگانی قرار می‌گیرد و فشار زیادی را تحمیل می‌کند که در اغلب موارد می‌تواند منجر به انعطاف و کوتاه آمدن آن طرف شود. رسانه‌ها در استفاده از این اهرم و فضا سازی علیه یک طرف، نقش مهم و عمده‌ای دارند. در ماجرای جنگ غزه و مذاکرات متعددی که برای آتش بس انجام شده و هم‌اکنون نیز در جریان است، به وضوح می‌توان استفاده از اهرم سرزنش را مشاهده کرد.

این موضوع که از اهمیت بالایی در روابط بین‌الملل برخوردار است، بیش از سه دهه پیش منجر به تولید یک عبارت دیپلماتیک در سطح جهانی شد: «دیپلماسی گره‌ی مرده». موضوع به سال ۱۹۹۱ میلادی و پس از جنگ اول خلیج فارس برمی‌گردد. در آن سال، جیمز بیکر، وزیر امور خارجه‌ی وقت آمریکا، مأموریت داشت تا اعراب و رژیم صهیونیستی را برای مذاکره و توافق پای میز بنشانند و مذاکرات مادرید را پیش ببرد.

منظور از «گره‌ی مرده» آن است که اگر مذاکرات به نتیجه نرسید و شکست خورد، مقصر مشخص شود؛ بدین صورت که طرف میانجی گره‌ی مرده را پشت در کدام طرف می‌اندازد تا او را به عنوان مقصر معرفی کند و در معرض سرزنش و فشارهای داخلی و خارجی قرار دهد.

کسی میتواند اینها را قبول کند؟ مذاکره برای این چیزها است. و البته اسم مذاکره را هم تکرار میکنند برای اینکه حالا در افکار عمومی یک فشاری ایجاد کنند که بله، [این] طرف حاضر است برای مذاکره، شما چرا حاضر نیستید؟ [این] مذاکره نیست؛ تحکم است، تحمیل است. علاوه بر جهات دیگری، که حالا جای بحث اینجا نیست و بنده هم امروز قصد ورود در این مسئله ندارم؛ حالا یک وقتی ممکن است در یک جاهایی بحث کنیم؛ لکن اجمالاً مسئله این است.»

نقطه‌ی عطف طراحي آمریکا

بخش عمده‌ی آنچه رهبر معظم انقلاب روز شنبه در پاسخ فرمودند، از منظری جدید نبود. ایشان در دیدار نوزدهم بهمن سال جاری، برای اولین بار پس از روی کار آمدن دولت ترامپ، به موضوع مذاکره با آمریکا پرداختند و مخالفت خود در این مورد را اعلام کردند. ایشان در آن سخنرانی که با تیتر و عنوان «دلیل: تجربه!» مشهور شد، دیدگاه حلّ معضلات و مشکلات کشور از طریق مذاکره با آمریکا را غلط خواندند و با اشاره به تجربه‌ی برجام فرمودند: «مذاکره کردیم، امتیاز دادیم، کوتاه آمدیم، اما نتیجه‌ای را که مقصودمان بود به دست نیاوردیم؛ همین معاهده را هم با همه‌ی این نقصهایی که داشت، طرف مقابل باز خراب کرد، نقض کرد، پاره کرد. با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد؛ مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست.»

آنچه در پاسخ اجمالی رهبر انقلاب قابل تأمل است و به نظر می‌رسد که نکته‌ی اصلی و رمز بازی دولت ترامپ است، مسئله‌ی «فشار به افکار عمومی» است. شواهد و قرائن زیادی برای اثبات این هدف آمریکایی‌ها وجود دارد. اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل آن، نوع حرکت و اقدام ترامپ است.

در عالم سیاست و دیپلماسی، پیغام‌ها، نامه‌ها و حتی بخشی از مذاکرات در سکوت خبری و دور از چشم رسانه‌ها و دیگر بازیگران انجام می‌شود؛ این شکل از کار، طبیعی و منطقی هم هست، چرا که وقتی دو طرف بخواهند مذاکره‌ی جدی کنند و به نتیجه برسند، باید از جنجال و هیاهو دور باشند. در هر مذاکره و تعاملی، رقبا و دشمنانی نیز وجود دارند که با انگیزه‌های مختلف به دنبال تضعیف و یا اثرگذاری بر روند مذاکرات هستند؛ لذا یک علت دیگر حرکت با چراغ خاموش در میدان دیپلماسی، ممانعت از سنگ اندازی و اثرگذاری طرف‌های جانبی است.

ادامه از صفحه ۲ فعلاً و در این مرحله، میان ایران و آمریکا میانجی‌ای وجود ندارد اما این باعث نمی‌شود که کاخ سفید قدرت و اهمیت عامل سرزنش را نادیده بگیرد. در واقع، ترامپ می‌خواهد با اعلام جنجالی و زود هنگام نامه‌ی خود، گریه‌ی مرده را پشت درِ خانه‌ی ایران بیندازد.

چرا افکار عمومی؟

اما چرا افکار عمومی ایرانیان برای آمریکایی‌ها چنین مهم است که حتی شخص ترامپ، خود به این شکل وارد بازی شده و صحنه‌گردانی می‌کند؟ واقعیت آن است که اصل و اساس فشارهای آمریکا که عمده‌ی آن در حوزه‌ی جنگ اقتصادی و تحریم است، مردم ایران را نشانه رفته است. آمریکایی‌ها به درستی فهمیده‌اند که پایگاه اصلی و عامل قدرت جمهوری اسلامی ایران مردم هستند؛ لذا فشار به مردم سیاستی ضرورانه برای مایوس کردن و فشار آوردن به پایه‌ی اصلی اقتدار نظام است.

رهبر معظم انقلاب نیز در سخنرانی روز شنبه به این قضیه اشاره کردند و فرمودند: «این راهم توجیه داشته باشیم که تهدیدهایی که دشمنان میکنند، عمدتاً متوجه به معیشت مردم است؛ عمدتاً تهدیدهای امنیتی، تهدیدهای اطلاعاتی متوجه معیشت مردمند؛ یعنی قصد و طرح کلی این است که کاری کنند که جمهوری اسلامی از عهده‌ی اداره‌ی معیشت مردم نتواند برپاید، و این تبعات خودش را خواهد داشت؛ دنبال این هستند.»

سه سال پیش نیز رهبر انقلاب به همین هدف اشاره کرده و فرموده بودند: «دشمن ملت را هدف گرفته، افکار عمومی را هدف گرفته، فکر جوانها را هدف گرفته؛ میلیاردها دلار دارند خرج

میکند، در این اتاقهای فکرشان - به اصطلاح خودشان اتاقهای فکر و گروه‌های اندیشه‌ورز - دارند تلاش میکنند برای اینکه ملت ایران را و بخصوص جوانها را از این راه برگردانند. وسیله‌ای که آنها دنبال میکنند فعلاً دو وسیله است: یکی فشارهای اقتصادی است برای اینکه مردم را به تنگ بیاورند و از نظام اسلامی جدا کنند، یکی هم لجن پراکنی است.» (۱۴۰۰/۱۱/۲۸)

تحریم؛ مکمل تحریم

اما با وجود آنکه فشار آوردن به مردم در میدان اقتصاد و معیشت به تنهایی کافی است، نکته‌ی اصلی و مرکز ثقل ماجرا آنجا است که آحاد مردم چه درکی از علت این فشار و تحریم داشته باشند و چه کسی را مقصر بدانند و سرزنش کنند؛ نظام و حکومت خود را مقصر بدانند که بدون دلیل منطقی حاضر به مذاکره و معامله با طرف مقابل نیست یا آمریکایی‌ها را مقصر بدانند که به بهانه‌های مختلف، ایران را تحریم کرده و امتیاز دادن به آن‌ها نیز نه تنها گره‌گشا نیست، بلکه زمینه را برای طرح توقعات جدید و باج‌خواهی بیشتر فراهم می‌کند؟

در واقع، بازی جدید ترامپ و نامه‌ی کذایی او بخشی از بازی بزرگ تحریم و فریب افکار عمومی است؛ تحریمی که می‌خواهد واقعیت علت تحریم‌ها و راه برون‌رفت از آن‌ها را طور دیگری جلوه دهد و سراب را به جای حقیقت به مردم قالب کند؛ و این همان چیزی است که رهبر انقلاب، بیش از چهار سال پیش، نسبت به آن هشدار دادند:

«به موازات تحریم - این را درست توجیه کنید - یک جریان تحریم هم هست؛ در کنارش یک جریان تحریم هست؛ تحریم حقایق، واژگون نشان دادن واقعیات؛ چه واقعیات کشور ما،

چه واقعیات مرتبط با کشور ما؛ این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام میدهند. هدف از این تحریم دو چیز است، دو کار را میخواهند انجام بدهند: یکی، ضربه به روحیه‌ی مردم است که حالا من عرض میکنم که چه جوری میخواهند به روحیه‌ی مردم ضربه بزنند؛ یکی [هم] آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است. این تحریم در این زمینه‌ها است و با این دو هدف دارد انجام میگیرد. پول زیادی هم دارند خرج میکنند برای اینکه این حقایق را تحریم کنند. الان هم ملاحظه میکنید که همین رؤسایشان، وزیرشان، رئیسشان، دیگران، خودشان را دارند خفه میکنند از بس به اینجا و آنجا سفر کنند، علیه ایران حرف بزنند، مصاحبه کنند، در هر قضیه‌ای اسم ایران را یک جوری بیاورند؛ واقعاً دارند خودشان را خفه میکنند، و این جریان تحریم است که وجود دارد... و من به شما بگویم که اگر جریان تحریم شکست بخورد، جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد؛ زیرا که عرصه، عرصه‌ی جنگ اراده‌ها است؛ وقتی جریان تحریم شکست خورد و اراده‌ی ملت ایران همچنان قوی و مستحکم باقی ماند، قطعاً بر اراده‌ی دشمن فائق می‌آید و پیروز خواهد شد.»

۱۳۹۹/۵/۱۰

راز تأکید بر «جهاد تبیین»

اینجا است که چرایی تأکید و هشدار مکرر رهبر انقلاب درباره‌ی جنگ رسانه‌ای و لزوم «جهاد تبیین» از سوی حامیان نظام و صاحبان تریبون روشن می‌شود. در واقع، جنگ رسانه‌ای و «جهاد تبیین» یک موضوع صرفاً انتزاعی و در حوزه‌ی عقاید و اندیشه نیست، بلکه با زندگی و معیشت مردم مرتبط و گره خورده است. ■ **پایان سرمقاله**

روایت

معجزه‌ی یکپارچگی

«بیت رهبری جایی است که همه خط و ربط‌ها گم می‌شود.» این جمله یا چیزی شبیه این جمله را همسریکی از شهدای یک بار نوشته بود. اشاره‌اش به کنار هم قرار گرفتن شخصیت‌ها و افراد و جریان‌های مختلف در بیت رهبری بود و اینکه وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، تصویر مجموع‌شان چیزی را می‌سازد که متفاوت است با جمع تک به تک آنها. قاعده‌ی دنیای ریاضی این است وقتی چند نفر یکجا جمع می‌شوند، مجموع‌شان حاصل جمع جبری تک به تک آنهاست. دنیای انسان‌ها که اما دنیای ریاضی نیست. انسان‌ها که دور هم جمع می‌شوند، جمع‌شان چیزی بیشتر از جمع جبری تک به تک آنها می‌شود. توان و اراده و انگیزه‌شان هم چیزی بیشتر از جمع جبری تک به تک‌شان می‌شود و این معجزه‌ی وحدت است و یکپارچگی.



گفت‌وگوی صمیمانه رهبر انقلاب با مسئولان نظام در پایان دیدار رضائی ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

نهضت ملی درختکاری را جدی بگیرید

رهبر انقلاب اسلامی ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ همزمان با روز درختکاری سه اصله نهال کاشتند و در سخنانی پس از این اقدام، تأکید کردند: این نهضت ملی درختکاری را که سال گذشته اعلام شد و شنیدیم بحمدالله خوب پیش رفته، جدی بگیرید و دنبال کنید. اینکه در دولت شهید رئیسی گفته شد در طول چهار سال یک میلیارد درخت کاشته بشود، معلوم شد که عملی است و میتواند انجام بگیرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با هشدار نسبت به قطع درختان و تبدیل کاربری اراضی کشاورزی افزودند: قطع درختان به جز در موارد فنی و ضروری یک ضرر و خطر است و باید جلوی تخریب جنگلها و تبدیل اراضی کشاورزی گرفته شود. ایشان همچنین با اشاره به کارهای خوبی که در این زمینه در تهران و برخی شهرهای دیگر انجام گرفته است، خاطر نشان کردند: این اقدامات باید ادامه پیدا کند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُم مِّنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ
سوره مجادله، آیه ۱۴

ولایت یعنی به هم پیوستگی

در ترجمه‌ها و تفسیرها گاهی ولایت را تعبیر میکنند به محبت و این درست است یعنی ولایت به معنای محبت می‌آید، لکن همه جا ولایت به معنای محبت نیست و معنای کلی و عام ولایت غیر از محبت است؛ محبت یکی از مصداقهای ولایت است. ولایت بر حسب معنای لغوی، یعنی ارتباط و اتصال بسیار مستحکم دو چیز با همدیگر به طوری که آن دو را از همدیگر به آسانی جدا نتوان کرد؛ که من همیشه فارسی ولایت را به هم پیچیدگی و به هم پیوستگی تعبیر میکردم. اگر بخواهیم ما ولایت به معنای لغوی را به فارسی ترجمه کنیم باید بگوییم به هم پیچیدگی، به هم جوشیدگی، به هم پیوستگی. ● ۱۳۶۱/۴/۴ | بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در جلسه تفسیر سوره مجادله

حدیث زندگی

ماه رمضان، ماه تلطیف دل و جان است

ماه رمضان... ماهی است که «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَتَوَكُّمٌ فِيهِ عِبَادَةٌ». (۱) ماه تلطیف دل و جان است. این زندگی مادی، بخصوص زندگی ماشینی، روابط ما را، درون ما را، باطن ما را، عملکرد ما را از لطافت می‌اندازد؛ مثل چرخه که احتیاج به روغن کاری دارد تا راحت بچرخد و سایش مضر نداشته باشد، ذکر و دعا در این ماه چنین نقشی را ایفا میکند؛ دلایمان را، جانهایمان را، با تلاوت قرآن، با دعاهای شبانه روزی، با خود روزه، با شب قدر تلطیف میکنند. ● ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ | امامی شیخ صدوق، ص ۹۳

کلام امام، نقشه راه انقلاب

روابط ما با آمریکا، رابطه مظلوم با ظالم است



آن روابطی که تا حالا بین ایران و آمریکا، در زمان شاه سابق بین ایران و آمریکا بوده است، رابطه یک آقای بی‌بهره با نوکرش. هر کاری می‌خواست، هر امری که می‌کرده عمل می‌کرده. ما چنانچه بخواهیم اسلام را پیش ببریم دیگر نباید نوکر باشیم. اگر نوکر نباشیم رابطه اش را با ما قطع می‌کند. ما ذلت را نخواهیم پذیرفت. شرافتی نیست رابطه داشتن با امثال آمریکا. ● ۱۳۵۸/۰۹/۲۶ | امام خمینی

خطبه های انقلاب

سیاستهای آمریکا در منطقه ۱۸۰ درجه با ما اختلاف دارد

همان طور که بارها تکرار کردیم، ما با آمریکا در مورد مسائل گوناگون جهانی و منطقه‌ای مذاکره‌ای نداریم؛ در مورد مسائل دوجانبه مذاکره‌ای نداریم؛ گاهی در موارد استثنائی مثل این مورد هسته‌ای، بر اساس مصلحت، مذاکره کرده‌ایم؛ این مورد هم فقط نبوده است، قبل از این هم مواردی بوده است که من در سخنرانی‌های عمومی قبلی به آنها اشاره کرده‌ام. سیاستهای آمریکا در منطقه با سیاستهای جمهوری اسلامی ۱۸۰ درجه اختلاف دارد. آمریکایی‌ها حزب الله را و مقاومت لبنان را - که فداکارترین نیروهای دفاع ملی در یک کشورند - متهم به تروریسم میکنند، از این بی‌انصافی بالاتر نمیشود. آن وقت در مقابل، دولت تروریست صهیونیستی کودک‌کش را مورد حمایت خودشان قرار میدهند، با یک چنین سیاستی چگونه میشود معامله کرد، چگونه میشود مذاکره کرد، چگونه میشود به توافق رسید؟ ● ۱۳۹۴/۰۴/۲۷ | بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر

منشور معنوی انقلاب

فرازی از وصیت نامه شهید سید عباس جولائی

دست از دامان ائمه طاهرين برداريد و امام خميني را تنها نگذاريد



۱۳۶۵/۰۳/۱۴
قطعه ۲۴ بهشت
زهره

قرآن را زیاد بخوانید و سعی کنید زمانی که خداوند با شما صحبت می‌کند اقلأ ترجمه تحت‌اللفظی آن را بدانید. نماز را طوری بخوانید که بدانید با خدا چه می‌گویید مبادا عباداتمان بندی باشد که ما را از راه سعادت باز دارد بدین واسطه که فکر کنیم خیلی آدم خوبی هستیم عبادات ما بایستی پله‌ای برای صعود ما به درجات و کلاسهای بالاتر باشد. تقوا، تقوا، تقوا، اساس کار است... از دامان ائمه طاهرين دست برداريد. رابط جوهر وجود و رابط وجود خودتان یعنی امام خمینی را تنها نگذارید، به خدا راهی که او به نشان داده راه خداست.

به صرف کتاب

«آمریکا: تور خدا حافظی»



انتشارات سروش

نویسنده: کریس هجز

۴۹۲

کتاب «آمریکا: تور خدا حافظی» نوشته‌ی کریس هجز، روزنامه‌نگار تحقیقی مستقل و برنده جایزه معتبر پولیتزر، به بررسی افول قدرت جهانی ایالات متحده می‌پردازد. هجز که دو دهه از عمر خود را در خارج از آمریکا گذرانده و شاهد درگیری‌های مختلف در آمریکای مرکزی، غرب آسیا و یوگسلاوی سابق بوده است، در این کتاب داستان زندگی واقعی مردم آمریکا را از زبان خودشان روایت می‌کند. هجز با تشبیه امپراتوری روم به امپراتوری آمریکا زوال امپراتوری روم را نیز با وضعیت فعلی آمریکا تطبیق می‌دهد.

این کتاب به تحلیل ابعاد مختلف افول آمریکا از جمله اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه زیرساخت‌ها در این کشور هر روز خراب‌تر می‌شوند و شهرها نیروهای کار خود را اخراج می‌کنند. هجز در این کتاب به مشکلاتی اشاره می‌کند که به بخشی ذاتی از نظام ایالات متحده تبدیل شده و این کشور را در سراسیمگی افول قرار داده است. دادن تحلیل عمیق از وضعیت روم افول ایالات متحده مهمترین ویژگی این کتاب است.